

بررسی تغییر و تحولات سیاسی و ارتباط آن با مکان‌های شهری (مطالعه موردی تحولات سیاسی در مصر)

حیدر لطفی

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

جهان حیدری

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

زهره حیدری^۱

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

محمد رفیعی

دانشجوی کارشناسی ارشد، جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۹/۲۹

چکیده

هدف مقاله حاضر، تشریح مفهوم مکان و تاثیرات آن بر تغییر و تحولات سیاسی است همچنین تاثیرات مکان بر هویت جغرافیایی و نیز با تاکید بر تحولات سیاسی و تغییرات رژیم‌های حاکم مورد توجه قرار گرفته است. در بررسی تغییر و تحولات سیاسی و ارتباط آن با مکان‌های شهری با مطالعه در زمینه مفهوم مکان‌ها و تحولات منطقه‌ای و جهانی و تاثیرات این مفهوم بر جغرافیا، می‌توان به این نتیجه رسید که مکان تاثیرات شگرفی بر جغرافیا گذاشته که از آن جمله می‌توان به افزایش بی‌سابقه تحولات سیاسی اشاره کرد. تاثیرات مکان و دگرگونی‌های ناشی از آن مطالعات نشان می‌دهد که جغرافیا نه تنها خود را با این تحولات تطبیق داده است که حتی به روشنی در برابر دید و نگرش سطحی‌بینانه برخی از اندیشمندان در برابر تحولات سیاسی ایستاده است و به نوعی آن را به نگرستن دوباره در مواجهه با مسایل عادت داده است بنابراین مکان‌های شهری به علت افزایش تغییر و تحولات سیاسی روز به روز بر اهمیت و ابعاد خود می‌افزاید. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای و استفاده از سایت‌های معتبر اینترنتی نتیجه حاصله زیر را به همراه داشته است از بین عوامل گوناگون در بین تغییر رژیم‌های سیاسی حاکم بر کشورها عواملی چون مکان‌های نمادین شهرها و هویت‌یابی مکانی تاثیر عمده‌ای در تکوین و نقش‌پذیری و تحولات گوناگون بر جای گذاشته است.

واژگان کلیدی: مکان، کارکرد سیاسی، انقلاب، مکان‌های نمادین شهری، کارکرد سیاسی میدین

مقدمه

فعالیت انسان در فضا، مکان‌های معین و منحصر به فردی در سطح زمین را اشغال می‌کند که هر کدام دارای مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و اختصاصات خاص خود است (Mirheidar, 2001:9). یعنی بار احساسی مکان با ساختار محلی احساس در ارتباط است و در برگیرنده محل‌های مختلفی نظیر خانه، محل کار، مدرسه و کلیسا، بازار، میدان و سایر اماکنی است که فعالیت‌های انسان، حول آن‌ها صورت می‌گیرد. از تلفیق ساختار محلی و نوع فعالیت انسانی، احساس مکانی به وجود می‌آید که دارای دو بعد جغرافیایی و اجتماعی است (Moir, 2000:34). بنابراین در فضای یک کشور مکان‌های عمومی متعددی همچون موزه‌های ملی، ابنیه‌های تاریخی، اماکن مذهبی و... وجود دارند که مکان‌هایی بسیار حساس و کلیدی برای هر ملت‌اند، چرا که نمادی از ملت را به مردم خود و جهان پیرامون ارائه می‌کنند (Jones et al, 2007:160). به طور مثال برج آزادی تهران، برج العربی دبی، برج ایفل پاریس، برج پیزای ایتالیا، برج‌های دوقلوی کوالالمپور و... چنان با شکوه و پرمحتوا ساخته شده‌اند که از حد شهرها فراتر رفته و جهانیان، کشور خاص را با آن نماد و المان در ذهن تداعی می‌کنند (Lotfi, 2012:62).

همچنین مکان حاوی نمادهایی است که در سختی‌ها و خوشی‌های افراد قرار داده شده‌اند بنابراین مکان در اینجا در قالب یک مفهوم انتزاعی بیانگر مجموعه‌ای در حال رشد از تجربیات و معانی مشخص است که فرد آن‌ها را در طول زندگی خود از موقعیت‌های مختلف جمع‌آوری می‌کند (Hafeznia et al, 2010:192). از آنجا که ایجاد اتحاد و برقراری انسجام دولت، کارکرد اصلی یک پایتخت ملی است، پایتخت‌ها مرکزی می‌گردند برای اشاعه نفوذ و اقتدار سیاسی و فرهنگی که از تاثیرات ملی‌سازی برخوردارند (Ahmadi pour, 2007:8). بنابراین در پایتخت‌ها باید به مکان‌هایی مشخص که معنایی خاص برای ملت دارند، اشاره کرد. نقاط و ویژگی‌های خاص تاریخی و جغرافیایی یک ملت، که به مکان‌هایی خاص، ارزش و معنایی متفاوت و ویژه می‌بخشند، بسیار حائز اهمیت اند و مورد توجه قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، میدان آزادی در تهران و همچنین کلیسای جامع مسیحی منجی در مسکو به عنوان نماد «تعصب، وفاداری و عشق بی نظیر به آئین و سرزمین اجدادی» و گنبد هزاره در لندن که نماد «بهترین‌های بریتانیا» و «همه خوبی‌های تاریخ دوران این سرزمین» است، نمونه‌هایی از مکان‌هایی نمادین هستند که نقشی بارز در نمادسازی و برانگیختن احساسات ملت‌ها دارند (Jones et al, 2007:161).

در جریان انقلاب مردمی ملت مصر، میدان «التحریر» قاهره به سرعت به محل اعتراضات مردم مصر بر علیه نظام سیاسی تبدیل شد و به نماد و سمبل مبارزه برای دستیابی به مطالبات سیاسی تبدیل شد. «التحریر» به معنای آزادسازی یا نجات، بزرگترین میدان قاهره می‌باشد که در مرکز این شهر قرار گرفته و کارکرد ارتباطی مطلوبی دارد، اما کارکرد سیاسی میدان تحریر از آنجا آغاز شد که در سال ۱۹۷۷ و در پی افزایش بهای مواد خوراکی تظاهراتی در این میدان بوقوع پیوست؛ هم‌چنین تظاهراتی در سال ۲۰۰۳ میلادی در اعتراض به حمله آمریکا به عراق در این میدان برپا شد. لیکن در جریان انقلاب ۲۰۱۱ مصر، میدان تحریر به سرعت به مکانی نمادین برای مبارزه علیه حکومت حسنی مبارک تبدیل شد و کارکرد سیاسی ویژه‌ای پیدا کرد. این سمبل‌سازی فقط مخصوص ملت مصر نبود بلکه حتی در پی اعتراضات مردم اروپا، استرالیا و آمریکا در برابر وال استریت، بسیاری از مردم در نیویورک نام خیابان وال استریت را «میدان التحریر آمریکا» خطاب کردند و همچنین بسیاری از مردم لندن نیز میدان معروف لندن

یعنی میدان ترافالگار را به نام میدان التحریر نامیدند. این پژوهش به لحاظ ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی محسوب می‌شود. جمع آوری اطلاعات به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتب، مقالات، روزنامه‌ها، سایت‌های اینترنتی و... گردآوری شده است. این پژوهش به دنبال تبیین علت و چرایی مبدل گشتن میدان تحریر به عنوان یک مکان با کارکرد سیاسی و سمبل و نماد مبارزه علیه حکومت می‌باشد. مفروض این مقاله آن است که عوامل و متغیرهایی چون عامل مرکزیت و دسترسی، سوابق تاریخی و سیاسی، نقش رسانه‌ها و فضای جمعیتی، ویژگی‌های جمعیتی، موقعیت و کارکرد پایتخت مصر و... در تبدیل میدان تحریر به نماد اعتراض و کانون تجمع مخالفان حکومت و درخواست مطالبات سیاسی نقش داشته است.

مبانی نظری

- مفهوم نماد

نماد یک اصطلاح است، اصطلاحی که بار معنایی‌اش بسیار فراتر از معنای قراردادی و روزمره‌اش می‌باشد و یک کیفیت روانی را بیان می‌کند (Fordham, 1967:40). نماد اندیشه آدمی را بر می‌انگیزد و انسان را به فراخنای تفکر بدون گفتار می‌کشاند و در واقع، کوشش بشر جهت یافتن و تجسم مفاهیمی است که از ورای ابهامات و تخیلات و تاریکی‌ها او را احاطه کرده است (Behzadi, 2001:51). نماد بیانگر مفاهیم فرهنگی و تاریخی برجسته‌ای است که از طریق آن‌ها می‌توان به فرهنگ و افکار گذشتگان پی برد. نمادها را می‌توان برابر با اسطوره‌ها، تصاویر، مظاهر، نشانه‌ها و کلیه جنبه‌های ظاهری و نمادین میراث مادی و معنوی و حامل‌های معنایی دانست که مواردی از قبیل تصاویر ذهنی و عینی، داستان‌ها و نگارش‌های تاریخی، ادبیات، فولکور، زبان، ساختمان‌ها، آثار، مراکز و ابنیه‌های تاریخی، مجسمه‌ها، نقاشی‌ها، شاهکارهای معنوی و فعالیت‌های خلاق هنری را در بر می‌گیرد (Dehshiri, 2009:193). انسان از راه نماد/ نشانه با هستی، طبیعت، نوع خود و خویشتن خود سخن می‌گوید. این گفتگوها، بی‌وساطت نماد هرگز مقدور نمی‌بود. از همین استعداد نشانه‌سازی است که نوع آدمی می‌تواند معنای تمامیت ارضی سرزمین مادری خود را به قطعه‌ی پارچه‌ی رنگینی منتقل کند و هزاران کیلومتر دور از وطن در کنار آن نماد و متاثر از احساسات متضاد به هیجان آید و فریاد شادی برکشد یا از سر دلتنگی بگرید (Vazirnia, 2002:64). منشا نماد دو نوع است: نمادها روابطی کاملاً قراردادی هستند و یا این که روابطی نهادینه شده‌اند که در طول زمان، پذیرش عام پیدا کرده‌اند. در هر دو مورد نمادها روابط مورد نظر خود را در قالبی کوچک، اشاره‌ای، تصویری، کنایه‌ای، حرکتی و کلامی ارائه می‌کنند. در حقیقت ارزش نماد نیز به خاطر همین کارکرد آن است، □ نمادها مظاهر و نشانه‌های عینی هستند که منعکس کننده‌ی احساس و شیوه‌های رفتار آدمی هستند، به عبارت دیگر، بشر برای نشان دادن خواسته‌های درونی خویش از نمادها استفاده می‌کند، نمادها؛ رفتارها و هدف‌ها را هدایت می‌کنند (Bahmani and safaran, 2010:18).

از نظر «دریدا» نماد و نشانه‌ها واسطه میان انسان و واقعیت می‌باشند (Berten, 1995: 7) نشانه‌ها انواع گوناگونی داشته و به روش‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌شوند. مشهورترین تقسیم‌بندی از سوی پیرس ارائه شده است. در این تقسیم‌بندی نشانه‌ها در سه دسته نمادین، نمایه‌ای، و شمایی طبقه‌بندی می‌شوند (Mirheidar, 2007:153). از میان سه نوع نشانه‌ی فوق‌الذکر، نوع نمادین دارای اهمیت ویژه‌ای در دانش جغرافیای سیاسی است، زیرا از آنجا که انتزاعی بودن ارزش‌ها سبب عدم درک کامل شرایط واقعی می‌شود، نمادها برای افراد معانی خاصی پیدا می‌کنند و در

واقع تجسم ارزش‌ها می‌شوند. از طریق نمادها، ارزش‌ها از شکل انتزاعی خود خارج می‌شوند و به صورت ملموس و عینی در می‌آیند. نمادها به عنوان ابزارهای ارتباطی می‌توانند زمینه‌های هویت مشترک و یکپارچگی را در بین گروه‌ها، سازمان‌ها و ملت‌ها فراهم کنند. مهمترین کارکرد نمادها خصوصیت تجهیزاتی آنهاست. بدین معنا که برخورداری نظام سیاسی از قابلیت بالای نمادین سبب می‌شود که توانایی تجهیزاتی آن در شرایط جنگ و صلح افزایش یابد و نظام بتواند بر قابلیت و ظرفیت تجهیز منابع مادی و معنوی محیط داخلی و بین‌المللی برای پاسخگویی بیشتر به نیازهای واقعی مردم خود بیفزاید (Ghavam, 2010: 282). بنابراین ارتباط و انتقال پیام شکلی از کنش اجتماعی است که دارای قدرت نمادین می‌باشند (Tampson, 2001: 21) در این راستا به نظر می‌رسد که مکان‌های تاریخی، مسلط و مشهور از جمله صور نمادینی هستند که با داشتن قدرت نمادین در بازتولید، جهت‌دهی، بازنمایی، زنده‌سازی هویت مکانی و تأثیرگذاری بر افراد و جوامع که در نهایت منتهی بر بسیج شهروندان می‌گردد، دارای اهمیت بسیاری می‌باشند. به نظر می‌رسد یک مکان مؤثر در صورتی که از بار سیاسی و ایدئولوژیک برخوردار گردد به عاملی در جهت تجلی و بازنمایی ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌ها مبدل گشته و صورت نمادین به خود می‌گیرد. در واقع ممکن است به نماد همان ایدئولوژی یا اندیشه تبدیل گردد.

- مفهوم نماد جغرافیایی

نماد جغرافیایی در واقع یک شاخص مکانی - فضایی و نشانه‌ای برای بازتاب فرهنگ، تاریخ و ارزش‌ها و شکل دهنده هویت است (Bonnemaison, 4: 2005). این مکان می‌تواند مکان مقدسی مثل مسجد باشد؛ یک مکان قابل رویت بلند مرتبه مثل برج ایفل؛ یا مکانی که یک فضای روحانی را در حافظه تاریخی خود دارد (Fayyaz et al, 2011: 108). حافظه‌ی تاریخی بر بستر فضا حرکت می‌کند. به عبارت دیگر محور زمانی در رابطه‌ای پیوسته با محیط فضایی قرار می‌گیرد و به نوبه‌ی خود آن را تغییر داده و بر آن معناگذاری، نمادگذاری و نشانه‌گذاری می‌کند. فضاهای شهری، محله‌ها، شهرها در کلیت خود، منطقه‌های ملی و یا بین‌المللی بدین ترتیب بدل به پهنه‌هایی می‌شوند که می‌توان آنها را "مکان‌های حافظه" نامید. این مکان‌ها در بسیاری از موارد به صورت‌های مختلف هنجارمند می‌شوند. نام‌گذاری بر کشورها، مناطق، شهرها، محله‌ها، میدان‌ها، خیابان‌ها، ایستگاه‌های مترو و اتوبوس شهری، بناهای اداری، آموزشی، کاری، علمی و تفریحی شهر گذاشته می‌شوند و تحولی که این نام‌ها در طول تاریخ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی پیدا می‌کنند تا اندازه‌ی زیادی حافظه‌ی تاریخی یک پهنه را مشخص می‌سازند (Fokohi, 2003: 260).

نمادهای جغرافیایی، قلمرو و محدوده‌ی یک سرزمین را به وسیله‌ی "نشانه‌ها" نمایان می‌سازند که در آن قلمرو یا سرزمین نگاره‌شناسی یا شمایل‌شناسی را روی زمین بنا می‌نهند؛ بنابراین نمادهای جغرافیایی، مرزهای یک قلمرو (انسانی) را نشان می‌دهند، به آن روح می‌دمند، به آن قلمرو و معنا می‌بخشند و ساخت می‌دهند. همچنین نمادهای جغرافیایی قادرند برای یک مکان، محل یا موقعیتی، نقطه اتکا باشند و از چیزی که از آن ساطع و ناشی می‌شود، قدرت و نیرویی بگیرند (Bonnemaison, 45: 2005). مشاهده‌ی نماد یک سرزمین در اذهان دیگر فرهنگ‌ها، در سطح جهان نیز تاثیرگذار است. یک نماد علاوه بر اینکه در محدوده ملی یک سرزمین شناخته شده است، در سطح جهانی نیز قابل شناسایی و عامل تفکیک از سایر فرهنگ‌هاست. درج و گنجاندن نماد یک سرزمین و ناحیه فرهنگی در

کتاب‌ها، بروشورهای تبلیغاتی، فیلم‌ها و امروزه نیز از طریق فناوری‌های ارتباطی جدیدی همچون اینترنت بر شناخته شدن، اثرگذاری، تاکید بر آن، موجب پذیرش نماد خاص در سطوح ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی شده است. بنابراین آن نماد تبدیل به یک نشانه از یک سرزمین یا فرهنگ خاص می‌شود. نشانه‌هایی همچون اژدها و پاندای چین، برج ایفل فرانسه، بیگ بن انگلستان، اهرام ثلاثه مصر همگی نشانه‌هایی از کشورهای مذکور هستند. البته باید گفت که این نشانه‌ها با معناسازی که از آنها می‌شود معنادار می‌شوند و در پس نشانه‌های فیزیکی و عینی، ذهن آدمی به تاریخ، فرهنگ و ایدئولوژی و هویت هدایت می‌شود که فراتر از یک نشانه و نماد است (Fayyaz et al, 2011: 106). از جمله عناصر مهم هویت بخشی شهرها نمادها هستند. که به صورت شناسنامه‌ای گویا از گذشته و حال شهر، نقش اصلی در معرفی آن به مخاطب دارند. نمادها و المان‌های شهری از جمله بناهای مهم در طراحی معماری و طراحی شهری محسوب می‌شوند، به نحوی که گاه حتی از خود شهر پراهمیت‌تر جلوه می‌نمایند. چرا که بیانگر هویت، شخصیت و عصاره شهر در یک ساختار نمایان هستند. بررسی و مطالعه در خصوص این نمادها نشان می‌دهد که بیان این نوع بناها بر پایه مفاهیم، سنت‌ها، فرهنگ، هویت و تاریخ شهر استوار شده است (Latifi, 2012: 64).

- مکان

در فرهنگ لغت جغرافیایی آکسفورد (۱۹۹۷، ۳۲۷) واژه مکان، نقطه‌ای خاص در سطح زمین تعریف شده است که محلی قابل شناسایی برای موقعیتی است که ارزش‌های انسانی در آن بستر شکل‌گیری و رشد یافته است. مدنی‌پور (۱۳۷۹: ۳۲) مکان را بخشی از فضا و دارای بار ارزشی و معنایی می‌داند و افشار نادری آن را نتیجه برهمکنش سه مولفه رفتار انسانی، مفاهیم و ویژگی‌های فیزیکی تصور می‌کند (Mahmodi nejad, 2009: 48). «ولش» (۱۹۹۰) جغرافیا را «علم کشف ارتباط بین زمین و ساکنان آن، به واسطه مطالعه‌ی مکان، فضا و محیط» تعریف می‌کند و «آبلر» (۱۹۹۲) موضوع اصلی و مرکز ثقل جغرافیا را بر ویژگی‌های مکان‌ها و عملکرد متقابل فضای تغییر دهنده‌ی آنها» قرار می‌دهد درحالی که فضا را گستره‌ای باز و انتزاعی می‌بینیم، مکان بخشی یا قسمتی از فضا است که به وسیله شخص یا چیزی اشغال شده است و دارای بار ارزشی و معنایی است (Pour ahmad, 2009: 80). مکان بافتی مناسب برای شکل‌گیری هویت‌های سیاسی و بازشناسی علایق سیاسی فراهم می‌سازد، و بدین لحاظ، فعالیت‌های سیاسی را می‌توان حول محور مکان، سازماندهی و تجهیز کرد. هر مکانی از طریق جریان‌های گسترده-تری از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ساخته می‌شود. به عبارت دیگر، عموماً اعتقاد بر این است که قدرت در چارچوب مکان پی‌ریزی می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این زمینه، مارتین جونز و همکاران (۱۳۸۶) معتقدند که هر مکان را می‌توان به عنوان نقطه‌ای خاص و منحصر به فرد تلقی کرد که در حقیقت، محل تقاطع جریان‌های مختلفی هستند، خواه این مکان یک خیابان باشد، یا منطقه و یا حتی یک قاره، پس مکان نقطه تلاقی است. در نتیجه، مکان حائز اهمیتی خاص در تحلیل‌های سیاسی است، چرا که روش‌های متفاوت به وجود آوردن این تقاطع‌ها، و حضور بازیگران مختلف با ترکیب‌هایی خاص از روابط در مکانی خاص، از پیامدها و آثار سیاسی برخوردارند. به همین دلیل مسی (۱۹۹۴) بر این باور است که لازم نیست یک مکان دارای مقیاسی خاص و مشخص باشد، بلکه می‌تواند هر چیزی، از خیابان تا حتی یک قاره را در بر گیرد.

مکان بخشی از فضای جغرافیایی و در واقع بستر شکل‌گیری روابط اجتماعی است که به عنوان دومین جریان شاخص کلیدی جغرافیا، فضا را مملو از تفاسیر، ارزش‌ها و هیجان می‌کند. مکان‌ها بخشی از جهان واقعی‌اند که هر شخصی در آنها زندگی می‌کند و توسط افراد جامعه شناخته، تفسیر، تقدیس و مدیریت می‌شوند (pour, 2009:80). تفاوت مکان‌ها تنها به ویژگی‌های فیزیکی و مختصات طبیعی آنها نیست، بلکه ویژگی‌های انسانی، فرهنگی و تاریخی است که به هر مکانی هویت خاص خودش را می‌بخشد و این هویت به مردم ساکن مکان‌ها منتقل می‌شود (Ibid). هر مکان شامل سه جزء اساسی است که عبارتند از: ۱- محل: که در برگیرنده‌ی کوچکترین محدوده‌هایی است که روابط اجتماعی در آنها شکل می‌گیرند. ۲- موقعیت: منطقه‌ای جغرافیایی که محلها را در بر میگیرد و درون آن، تعاملات گسترده‌تر میان اعضای جامعه برقرار می‌شود. ۳- بار احساسی مکان یا درک مکان: که با ساختار محلی احساس در ارتباط است و در برگیرنده‌ی محل‌های مختلفی نظیر خانه، کار، مدرسه، مسجد و... است که فعالیت‌های انسان، حول آنها صورت می‌گیرد. از تلفیق ساختار ملی و نوع فعالیت انسانی، بار احساسی مکان به وجود می‌آید که دارای هر دو بعد جغرافیایی و اجتماعی است (Pishghahi fard, 2009:673) نیز مکان‌های شهری همراه با مجموعه‌های فیزیکی و کالبدی آن نوعی نماد است، که علاوه بر کارکردها و عملکردهای خاصی که هر یک از سازه‌های شهری دارند، ناظر بر معنی‌شناسی شهری نیز هستند. از طرف دیگر، هر یک از این فضاها، عملکردها و مکان‌های شهری، تابع خصوصیات فرهنگی و اجتماعی هستند که به آنها هویت و معنی می‌بخشد (Calantari, 2011:189). با این وصف «اماکن و فضاهای شهری» علاوه بر بعد مادی، از بعد غیرمادی نیز برخوردار بوده و احساساتی در ساکنان خود ایجاد می‌کند. بواسطه این احساسات، نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد شده که منجر به شکل‌گیری هویت مکانی می‌شود. این نیروی معنوی حس مکان نامیده می‌شود (Ahmadi pour, 2011:47) بنابراین چهره و مبلمان شهری و کالبد فضایی و فیزیکی شهر اعم از خیابان‌ها و کوچه‌ها و اسامی آنها، میادین و مساجد و ابنیه تاریخ و... هر یک به نوبه‌ی خود باید شهر و مردم شهر را معنی کند. آزمون است که بازتاب‌های تأثیر این امکان یا نمادهای آنان با کارکردهایی از قبیل تقویت تبادل نظر و اطلاع‌رسانی، انسجام و تفویض و تزریق احساس قدرت و توانایی به جمعیت‌های معترض، تداعی نمودن فداکاری و ایثارها و حماسه‌های شکل گرفته در آن مکان و روحیه بخشی به معترضین، در رفتار و کردار شهروندان جایگاه ویژه‌ای می‌یابد.

- میدان

شهر موجودی زنده است که با سایر اندام‌های جامعه پیوند دارد، و هرگونه کاستی و بیماری در اجزا و فضای این پدیده، مستقیماً به سایر پدیده‌های اجتماعی انتقال می‌یابد و کل این ارگانیزم زنده را بیمار و مضمحل خواهد نمود (Ahmadi pour, 2001:4). با این توصیف، این نظر که فضاها «بخصوص فضاهای شهری» بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارند و می‌توانند برای تنظیم رفتار او به کار گرفته شوند امری پذیرفتنی است (Taherkhani, 2002:88). در این میان، میدان به عنوان یک فضای شهری در گذشته نقش بسیار مهمی در حیات اجتماعی و شهری داشته و مهم‌ترین مرکز انواع تجمع‌های حکومتی، مردمی، نظامی، گذران اوقات فراغت و به ویژه اغلب یکی از مهم‌ترین مراکز تجمع‌های مذهبی به خصوص از دوره صفویه به بعد بوده است. بیشتر میدان‌های درون شهر به عنوان یک فضای شهری، غالباً نقش و کارکرد یک فضای ارتباطی را نیز دارا بودند. همجواری و در بیشتر موارد یکی بودن مسیرهای پیاده و

سواره موجب می‌شد که میدان‌ها از جنبه کارکردی به عنوان یک فضای شهری، محلی مناسب برای انجام بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و گذران اوقات فراغت باشد. میدان‌های طراحی شده در گذشته دارای چهارنمای طراحی شده و کامل بودند که معابر متصل به میدان آنها را نمی‌گسست. در این حالت فضای باز میدان یک فضای باز مرکزی و کمابیش مانند حیاط خانه‌ها، محصور بود، به صورتی که مردم از لحاظ فضایی خود را درون یا بیرون آن حس می‌کردند (Soltanzadeh, 2002: 92). میدان‌ها در شهرها بر حسب ضرورت‌های مکانی و زمانی نقش و عملکردهای مختلفی به خود گرفته‌اند، گاهی به صورت مکانی برای عرضه کالا بوده و زمانی فضایی حکومتی و دیوانی و یا مذهبی داشته‌اند، در شهرهای دوره اسلامی میدان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و از این دوره با نقش و عملکردهای متفاوتی چون تجاری، ورزشی، مذهبی، اداری و حکومتی کارکردهای متعددی را ایفا می‌کند. میدان‌های اصلی به خاطر ارتباط با مسجد جامع به عنوان اصلی‌ترین مکان تجمع مذهبی قرار گرفته و رفته رفته نقش چند منظوره‌ای می‌یابند که همواره حضور مردم مهم‌ترین عامل زندگی‌بخش آن است (<http://www.daneshju.ir>). در دوران معاصر بسیاری از عملکردهای کلاسیک میدان‌ها به بناها منتقل شده است و به علت وضعیت و موقعیت فعلی، نمی‌توان عملکردهای گوناگون و متفاوت اجتماعی دوران گذشته را از آن انتظار داشت. اما امروزه شاهد آنیم که رفته رفته میدان نقش‌های موثر در مجموعه اندام‌های شهری یافته و تاثیرات زیادی را بر شکل‌گیری و سازماندهی فضایی شهر نسبت به دوره‌های تاریخی مختلف، به انجام رسانده است. میدان به عنوان یک فضای شهری با حضور و مکث معنی‌دار انسان و به منظور و مقصود معینی در ارتباط با حرکت جمعیت موجودیت می‌یابد و علاوه بر آن جلوه‌های روشنی از یک فضای ایجادکننده ارتباط، تماس و فعالیت آدمی را نمایان می‌سازد.

نظریه

- نظریه پخش

انتشار و گسترش یک پدیده و یک نوآوری در سراسر فضای جغرافیایی و در طول زمان، پخش و تراوش گفته می‌شود (Shokoe, 2006: 111). این مفهوم به وسیله جغرافی‌دان سوئدی به نام تورستن هاگراستراند به دلیل تدوین و ارائه مدل «پخش نوآوری‌ها» در سوئد مرکزی شناخته شده است (Ahmad pour, 2009: 155). نظریه پخش یا «اشاعه» یکی از نظریه‌های رایج در باب توضیح چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌هاست. هرچند خاستگاه اولیه این نظریه در رشته جغرافیای انسانی است، اما در موضوعات رشته‌ی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز کمابیش به کار گرفته شده است (Barzeghar, 2003: 39). این نظریه، قدرت تبیین و توضیح هرگونه نوآوری فکری یا فیزیکی را دارد و هم علت اشاعه، نحوه گسترش و مسیرها و مجاری پخش آن، و هم علل توقف و علل گسترش مجدد آن و نیز پایداری برخی از امواج و زوال برخی دیگر را توضیح می‌دهد (Ibid: 43). جغرافی‌دانان، با توجه به انتشار و گسترش پدیده‌های گوناگون در زمان ما که زمینه‌های اجتماعی- اقتصادی شدیدی بر بخشی از مردم نواحی جغرافیایی تحمیل می‌کند بر موارد متعددی مانند؛ پدیده‌های جغرافیایی، چگونه میان نواحی جریان می‌یابد، مراکز اصلی این پدیده‌ها کجاست و چرا پاره‌ای از مراکز، کانون اصلی تراوش پدیده‌ها و نوآوری‌ها محسوب می‌شود؟ (Paply Yazdi and Snajrdy, 2012: 220) تأکید می‌ورزند. در رابطه با این نظریه، ریشه‌یابی

پدیده‌های سیاسی که قالب شورش، انقلاب و اعتراض بروز می‌نمایند از اهمیت بسزائی در راستای پی بردن به چرایی موضوع برخوردارند. مرکز اصلی بروز تحركات انقلابی مصر میدان التحریر بود چرا که به صورت نمادیک و در طول زمان‌های مکرر آستن تجمع و اعتراضات بر علیه وضع موجود بوده است. در پخش ناحیه‌ای که طی آن اطلاعات، مواد، کالا، مد، امراض، تولیدات و نظایر اینها، از ناحیه‌ای به ناحیه‌ی دیگر می‌رسد و میان جمعیت ناحیه‌ی جدید گسترش می‌یابد، گاهی شدت نوآوری‌ها و پدیده‌ها در ناحیه‌ی جدید بیش از خاستگاه اصلی پدیده‌ها و نوآوری‌هاست. لذا در این رابطه هر چند کشور تونس منشأ و مرکز اصلی این پدیده‌ی سیاسی بود ولی با توجه به عواملی چند از قبیل؛ نقش نمادیک میدان التحریر و تعمیق خصلت مبارزه و اعتراض در کالبد هویتی این مکان، انسجام و احساس قدرت در میان جمعیت معترض، خواست مشترک معترضین و... باعث گردید که شدت انتشار این پدیده‌ی سیاسی در مصر بیشتر و سریع‌تر انجام گیرد و میدان التحریر به عنوان نماد اعتراض و عامل انتشار این فرایند به دیگر کشورها مبدل گردد. از نگاه دیگر جابجایی مکانی پخش، مصداق وضعیت موجود در مصر نیست زیرا در قالب این نوع پخش، مکان اصلی پخش اطلاعات، مواد، امراض و نوآوری‌ها به تدریج از اطلاعات، مواد و امراض خالی می‌شود و سرچشمه‌ی پخش می‌خشکد. بدین سان که به موازات پخش از مکانی به مکان دیگر، خاستگاه پخش یا تراوش اهمیت و اعتبار خود را از دست می‌دهد، در حالی که میدان التحریر امروزه‌ی روز نیز نقش خود را به خوبی ایفا می‌نماید به صورتی که در جریان اعتراضات به بازداشت مرسی و وقوع برخوردهای میان طرفداران و مخالفین او، این میدان کماکان در مرکز این تحركات قرار داشت. به طور کلی این نظریه، قدرت تبیین و توضیح هرگونه نوآوری فکری یا فیزیکی را دارد و هم علت اشاعه، نحوه‌ی گسترش و مسیرها و مجاری پخش آن، و هم علل توقف و علل گسترش مجدد آن و نیز پایداری برخی از امواج و زوال برخی دیگر را توضیح می‌دهد (Barzeghar, 2003: 43). به نظر می‌رسد که در عصر جدید، عناصر فرهنگی، پدیده‌های سیاسی و ابداعات، با بالاترین سرعت ممکنه در فضاهای مجازی و رسانه‌ای میان کشورها و قاره‌ها اشاعه و انتشار می‌یابد و بدین صورت ما شاهد زوال فاصله‌های فیزیکی می‌باشیم، همچنین هر مکانی که بتواند به نماد عمل یا رفتاری مبدل گردد، توانایی و احتمال انتشار آن عمل یا رفتار از آن مکان نمادیک چند برابر می‌گردد.

- نظریه فشرده‌گی زمان - فضا و دهکده جهانی

در زمان ما، نگاه ما به جهان وابسته به وسایل ارتباطی است و شناخت ما از جهان، مربوط به مبادله‌ی اطلاعات است. با توسعه رسانه‌های الکترونیکی، جهان وارد اطاق‌های ما شده است. با یک فشار به دکمه‌ی تلویزیون، همه رویدادهایی که در آن سوی جهان رخ می‌دهد در اطاق‌هایمان روی پرده تلویزیون می‌بینیم. ما هم اکنون در جهانی زندگی می‌کنیم که مارشال مک لوهان، آن را دهکده جهانی می‌خواند. چنان که در تلویزیون، ناآرامی‌های کره جنوبی، انقلاب در فیلیپین، تجمعات اعتراضی اوکراین، ناآرامی‌های سوریه، فعالیت‌های تخریبی القاعده در سوریه و عراق، اخبار ترورهای سیاسی و... به سرعت دریافت می‌کنیم. با رسانه‌های الکترونیکی و قدرت‌یابی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی در زندگی واقعی، همه نقاط جهان به داخل زندگی روزمره و قضاوت ما راه یافته است. نتیجه آنکه امروزه، در شکل‌گیری تجربیات ما از زندگی و زیست جهان، رویدادهای دور و نزدیک دارای سهم قابل توجهی می‌باشد. در واقع، رادیوها، تلویزیون‌ها، ماهواره‌ها و اینترنت‌ها، در مردم جهان یک دیدگاه مشترک جهانی به وجود

می‌آورند که از آن با عنوان باورهای عمومی جهان نام برده می‌شود. باورهای عمومی جهان که از طریق رسانه‌های الکترونیکی شکل می‌گیرد می‌تواند زندانیان سیاسی را آزاد کند، دولت‌ها را ناتوان سازد، گروه‌های سیاسی مخالف را مشروعیت بخشد و به گروه‌های تحت محاصره امید رهایی دهد. این وضع که برای اولین بار در تاریخ جهان دیده می‌شود نقش مهم عقیده‌ی جمعی مردم عادی را در رویدادهای جهانی نشان می‌دهد. بدینسان در جهان امروز باورهای عمومی جهانی به منزله یک نیروی توانمند عمل می‌کند. دیوید هاروی از این شرایط با عنوان فشردگی زمان و فضا، زمان و مکان نام می‌برد. قرن بیستم از طریق تکنولوژی ارتباطات و اطلاع‌رسانی، کره‌ی زمین را به مکان کوچکی تبدیل کرده است. بدانسان که هر رویدادی که در یک ناحیه اتفاق می‌افتد در نواحی دور و نزدیک تأثیر می‌گذارد (Shakoui:2009,31). در جریان تداوم، تقویت و دستیابی انقلاب مصر به پیروزی نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی و تلفن همراه و... غیر قابل انکار و حائز اهمیت اساسی است. این رسانه‌ها موجب گشتند که باورهای عمومی جهان به نفع معترضین شکل یابد و میدان‌التحریر هر روز بیشتر از دیروز در رأس سطور خبری سایت‌ها و روزنامه‌ها قرار بگیرد، این امر اصلی‌ترین عامل در هویت‌بخشی سیاسی به کالبد فیزیکی میدان‌التحریر به عنوان نماد یک مکان معترض بود. با زایل شدن فاصله‌های فیزیکی یا به قول دیوید هاروی به علت فشردگی مکان و زمان، آنچه در میدان‌التحریر می‌گذشت در مدت زمان اندکی پهنی گیتی از آن باخبر می‌گردید، نقش تلفن همراه و سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی هم در تحریک ملت به حضور و ملاقات در میدان، نقش قابل توجهی در بسیج افکار و شهروندان ایفا نمودند. بنابراین در قالب نظریه‌ی مک لوهان و فشردگی زمان و مکان دیوید هاروی نیز این پدیده سیاسی قابل تحلیل است که در یافته‌های تحقیق این ارتباط بیشتر نمود یافته است.

یافته‌های تحقیق

- کارکرد سیاسی مکان‌ها و فضاهای اعتراض

بعضی مکان‌ها به ویژه میدان‌ها در فضاهای شهری در برخی تحولات سیاسی نقش و جایگاه خاصی یافته و به محور و مرکز تحولات سیاسی تبدیل می‌شوند و به نوعی به فضای اعتراض تبدیل می‌شوند. به عنوان مثال میدان تیان‌آن‌من، یا دروازه‌ی صلح آسمانی، همان مکانی است که اکتبر سال ۱۹۴۱م مائو تسه تونگ بر فراز دروازه‌ی آن ایستاد و تأسیس چین جدید را اعلام کرد (Ghasemi,2003:21) تیان‌آن‌من به عنوان میدان اصلی شهر پکن در ساعات نخستین روز ۴ ژوئن ۱۹۸۹ شاهد تظاهرات بزرگ طرفداران دموکراسی بود که توسط نیروهای مسلح سرکوب شد (Maclein, 2002: 959). سرکوب جنبش دموکراسی‌خواهی دانشجویان در سال ۱۹۸۹ به مرکزیت میدان مشهور تیان‌آن‌من پکن، حقوق بشر را برخلاف زمان پیش از آن به موضوعی مسئله‌ساز برای جمهوری خلق چین و رهبران اقتدارگرای حزب کمونیست در تعاملاتشان با جامعه جهانی، نظام بین‌الملل حقوق بشر و در رأس آن سازمان ملل متحد تبدیل نمود (Asadpoor,2006:1) دانشجویان در این واقعه به ناپایداری اقتصادی چین و سرکوب‌های حزب کمونیست و فساد دولتی اعتراض کردند، جنبش تیان‌آن‌من، در ۲۲ آوریل همان سال ظاهر شده بود و دلیل آن حمایت دانشجویان از یکی از رهبران حزب کمونیست چین، هویائوبانگ، بود که در همین ماه ایده‌های جدیدی را برای گشایش و دموکراسی در حزب مطرح کرده، اما بلافاصله از حزب اخراج شده بود. به این

ترتیب در طول چند روز جمعیت دانشجویان میدان تیان‌آن‌من به بیش از ۲۰۰ هزار نفر رسید و ۲ هفته بعد با حضور میخائیل گورباچف در (۱۶ ماه می) در پایتخت چین، دانشجویان تمایل خود را به دنبال کردن راه روسی در چین اعلام کردند. اندکی بعد، دولت کمونیست چین با مشاهده سرایت جنبش به سایر اقشار مردم پکن، سرانجام تصمیم گرفت که با سرکوب خشونت آمیز آن را از میان بردارد، این اعتراضات با نیروهای مسلحی که توسط حکومت به پکن فرستاده شدند با قتل عام ۳۰۰۰ دانشجویان سرکوب شد (Jamejam Newspaper, 2011:19). امروزه این میدان به دلیل ایستادگی مادران دانشجویانی که ۲۴ سال پیش، خون فرزندانشان در مقابل تانک‌های دولت چین، نقش ماندگار آزادی را بر میدان «تیان‌آن‌من» پکن ترسیم نمود، به عنوان میدانی نمادیک که یادآور اهدای جان برای کسب آزادی است، به اذهان و افکار عمومی ملت چین و سایر ملل معرفی شده است.

بنابراین به نظر می‌رسد تمامی مکان‌های جغرافیایی توان مبدل گشتن به مکانی نمادین را نداشته باشند. بلکه میادین، اماکن و ابنیه‌ای که در تحولات سیاسی-اجتماعی ملت و حافظه‌ی تاریخی شهروندان جایگاه ویژه‌ای دارند و به نوعی کارکرد سیاسی - عاطفی آنها بارزتر از سایر کارکردهای آنهاست، از این پتانسیل برخوردارند. مکان‌های مختلفی مانند میدان آزادی و ساختمان آزادی در جریان انقلاب اسلامی ایران، میدان بولونتایا در مسکو، میدان تحریر در مصر از جمله این اماکن می‌باشد.

- نقش و جایگاه مکان میدان التحریر قاهره در تحولات سیاسی مصر

میدان با ابعاد مختلف معنایی، کارکردی و کالبدی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفی فضاهای شهرهای امروز ایفا کند. در این میان، توجه به عوامل مؤثر در دل‌بستگی افراد به میدان‌های شهری می‌تواند نقش مؤثری در هویت و مطلوبیت میدان‌ها داشته باشد (Sajadzadeh, 2012:79) سرچشمه‌ی حرکت دومینووار انقلاب‌های اخیر خاورمیانه از مکان‌هایی مانند شهرهای مسلط یا پایتخت، میادینی مانند میدان تحریر مصر که نماد آزادسازی و همواره محل برگزاری تظاهرات سیاسی بوده است نشأت گرفت (Kia, 2011:13). میدان تحریر بزرگترین میدان قاهره می‌باشد که در مرکز این شهر و در شرق رود نیل واقع شده است. همانند بسیاری از میدان‌ها، این میدان دارای کارکرد ارتباطی نیز می‌باشد. از طرفی موزه مصر؛ در میدان تحریر شهر قاهره واقع شده که در آن مجموعه آثار فراعنه، پانصد هزار قطعه آثار حک شده از تاریخ مصر قدیم که قدمت آنها به هزاران سال قبل بر می‌گردد، یافت می‌شود این موزه در سال ۱۸۵۸ میلادی تاسیس شد (Tekyeh, 1996:23). به نظر می‌رسد که مکان‌گزینه این موزه در کنار میدان تحریر به کارکرد فرهنگی این میدان نقش پررنگتری بخشیده است.

این میدان که قبلاً اسماعیلیه نام داشت پس از انقلاب ۱۹۵۲ به نام میدان التحریر (به معنی آزادسازی یا نجات) تغییر نمود. تظاهرات سال ۱۹۷۷ که در پی افزایش بهای مواد خوراکی بوقوع پیوست، در این میدان برگزار شد. هم‌چنین تظاهراتی در سال ۲۰۰۳ میلادی در اعتراض به حمله آمریکا به عراق در این میدان برپا شد □ در جریان انقلاب ۲۰۱۱ مصر، میدان تحریر به نماد مکان معترض و سمبل مبارزه علیه حکومت حسنی مبارک تبدیل شد. از اینرو به نظر می‌رسد که امروزه کارکردهای متعدد میدان تحریر مصر تحت الشعاع کارکرد سیاسی آن قرار گرفته است، به صورتی که این میدان به یک نماد آزادسازی و مخالفت با حکومت‌های دیکتاتوری مبدل گشته است. گواه این قضیه آن است که مردمان معترض اروپا و آمریکا و... به مکان‌های محل تجمع خود اسم میدان تحریر داده‌اند.

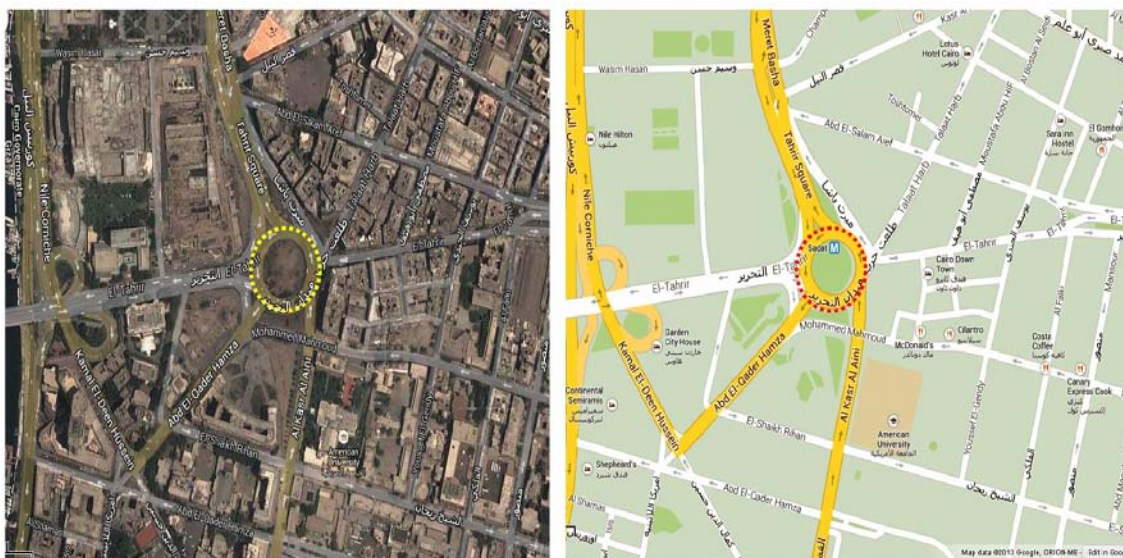
- عوامل مؤثر در شکل‌دهی میدان تحریر به عنوان نماد اعتراض

(۱) عامل مرکزیت و در دسترس بودن

میدان تحریر بزرگترین میدان قاهره می‌باشد که در مرکز این شهر و در شرق رود نیل واقع شده است. همانند بسیاری از میدان‌ها، این میدان دارای کارکرد ارتباطی مناسبی می‌باشد به دلیل اینکه در مرکز اتصال چند خیابان قرار گرفته است. بدین ترتیب خیابان التحریر از شرق و غرب، خیابان میرت باشا از شمال و خیابان القصرالعینی از جنوب به این میدان متصل می‌شوند. از طرفی به حومه‌ها و نواحی جمعیتی حاشیه‌نشین و فقیر نیز قرابت دارد، این کارکرد خوب ارتباطی و عامل دسترسی ساده به میدان باعث شد که این میدان از سوی عموم مردم به عنوان مرکز تجمع مخالفان و آزادیخواهان پذیرفته شده و رفته رفته به نماد آزادیخواهی مبدل شود (رک تصویر ۱). بر این اساس می‌توان گفت میدان تحریر دارای یک نقش کانونی در انتشار امواج سیاسی در درجه اول در داخل پایتخت و در مرحله بعد در داخل کل مصر بود. بدین ترتیب این میدان به عنوان یک کانون توزیع کننده، مکان و سرچشمه‌ی انتشار امواج اعتراضی مردمان گردآمده در این میدان بود؛ به گونه‌ای که موج اعتراض به راحتی از این میدان به سایر مناطق قاهره و حتی سایر شهرها سرایت می‌کرد. علاوه بر این، همچنانکه هاگت در نظریه پخش بیان می‌کند، همچنین این مکان در جریان اعتراضات شهروندان مصری دارای کارکرد انتشار گسترشی بود. انتشار گسترشی فرایندی است که به وسیله آن، اطلاعات، مواد و مانند اینها از یک جا به جای دیگر گسترش می‌یابد. در این فرایند چیزهایی که منتشر شده‌اند در ناحیه اولیه باقی مانده و اغلب شدت پیدا می‌کنند (Haget, 2003, 96). تأثیر عامل مرکزیت و میزان دسترسی را می‌توان با این مثال شرح داد که اگر سنگی را به درون استخری بیندازیم و پخش امواج آن را نظاره کنیم، خواهیم دید که دوایر با دور شدن از نقطه‌ی اثر، بتدریج ضعیف و ضعیف‌تر می‌شوند. به همین قیاس، میزان پذیرش نوآوری‌های فرهنگی نیز با افزایش مسافت کاهش می‌یابد. ابداعات به طور عمیق‌تر و نافذتری در نزدیک‌ترین نقطه به مبدأ پذیرفته خواهند شد و با دور شدن از آن کاهش می‌یابند (Jordan & ravantari, 2001: 563).

در توضیح نقش کانونی میدان‌ها در شکل‌گیری تجمعات مردمی، می‌توان به این نکته اشاره کرد که خیابان‌ها معمولاً به یک میدان یا یک محل فرهنگی و رسانه‌ای منتهی می‌شوند که در آنجا با پیوند خوردن جمعیت، اعتراض و شورش گسترش می‌یابد و اخبار به مرزهای محیط منتشر می‌شود. چنانکه میدان تحریر که در مرکز توجه مطبوعات، ایستگاه‌های تلوزیون، هتل‌های خارجی و گردشگران و روزنامه‌نگاران و حتی ترمینال‌های اتوبوس بود و توانست شورش‌ها و قیام‌های معترض و ناراضی را به خود جلب می‌کند. از طرفی این فضا‌های اعتراض و مکان‌های معترض اعم از خیابان، میادین، مساجد و ... دارای جامعه‌شناسی مختص خودشان هستند؛ ترکیبی از ویژگی‌های مکانی اجتماعی مختلف. آنها مکان‌هایی هستند که یک جمعیت قبل از اینکه مجبور به پراکندگی و متفرق شود می‌توانند به آسانی و سریع در آنجا گرد هم‌آید. بنابراین مجاورت و نزدیکی یک دانشگاه (مثل دانشگاه تهران) یا یک مسجد بزرگ (مثل مسجد الازهر قاهره) یا تفرجگاه‌ها، کتاب‌فروشی‌ها و محل تئاترها که جمعیت روشنفکر را جلب می‌کنند همگی مکان‌های دارای پتانسیل ناراضی‌تی و شورش هستند. از همین رو مجاورت قصرالنیل در قاهره و خیابان‌های

کلمه العرب با کتاب‌فروشی‌ها و کافه‌های روشنفکری مثل کافه تاریخی ریچه که انقلاب ۱۹۵۲ مصر در آن برنامه‌ریزی شد زمینه را برای ورود جمعی روشنفکران در میدان التحریر مصر فراهم آورد. (Afzali, 2013: 169).



شکل ۱: نقشه و موقعیت فعلی میدان تحریر و شیوه دسترسی به آن

Source: earth Google

علاوه بر عامل مرکزیت جغرافیایی، عامل دسترسی نیز نقش مهمی در تبدیل میدان تحریر به عنوان کانون مخالفت با نظام سیاسی داشت. اساساً عامل دسترسی نقش بسیار مهمی در مکان‌گزینی جمعیت و فعالیت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، ارتباطی دارد و وجه مختلف ساختار فضایی و کالبدی شهر اعم از ساخت شهر، بافت شهر، اندازه شهر و نقش و اهمیت مرکز شهر، کاملاً از عامل دسترسی تأثیر می‌پذیرند (Abolhasani, 2001: 86). دسترسی به عنوان یکی از محورهای عملکردی برای شکل فضایی شهرها مطرح است. نظریه پردازان معاصر، دسترسی و ارتباطات را جزء امتیازات اصلی مناطق شهری دانسته و اغلب تئوری‌های مربوط به پیدایش و عملکرد شهر نیز، آن را مسلم برشمرده‌اند (Lynch, 1993: 262). در بحث دسترسی موضوع امنیت معترضین و عدم گرفتار شدن آن‌ها با نیروهای حکومتی نیز اهمیت زیادی دارد. به عبارت دقیق‌تر این گونه مکان‌ها که به عنوان کانون تجمع معترضین انتخاب می‌شوند بایستی دارای یک فضای قابل مانور باشند. جایی که معترضین بتوانند از دست پلیس بگریزند و در عین حالی که فضاهای باز دارد به واسطه کوچه‌های باریک، مغازه‌ها، و خانه‌ها محاط شده، فرصت یا پناهگاهی برای پناهندگی انقلابیون فراهم می‌کند. شگفت‌انگیز نیست که میدان التحریر قاهره، میدان انقلاب تهران و میدان تقسیم استانبول همگی به واسطه پیچ و خم‌ها، خیابان‌های کناری و کوچه باریک احاطه شده‌اند. جایی که فراری‌های سیاسی می‌توانند در موقع تعقیب پلیس مخفی شوند (Afzali, 2010: 169). بر این اساس دو مؤلفه مرکزیت و دسترسی مناسب نقش مهمی در انتخاب میدان تحریر به عنوان کانون تجمع مخالفان حکومت داشته است.

۲) تراکم و تجمع جمعیت

جمعیت و یا انسان‌های ساکن در مکان و فضای جغرافیایی یکی از عناصر و ارکان اصلی آن را تشکیل می‌دهد. جمعیت و انسان‌ها به مثابه روح مکان و فضای جغرافیایی عمل می‌کند. مکان بدون جمعیت به مکان بی‌روح شباهت دارد. انسان آن چنان به مکان وابسته می‌شود که از حد روابط مادی با مکان فراتر رفته و با آن روابط عاطفی برقرار

می‌کند و مهر مکان در دلش جای باز می‌کند و مکان برای او ارزش و قداست معنوی پیدا می‌کند (Hafeznia, 2009:199). اگر از نظر لحاظ ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی، یک فضای جغرافیایی دارای ساختار گسیخته‌ای باشد، این وضعیت در شکل‌گیری واحدهای کوچکتر فضایی و قلمروهای فرهنگی متفاوت مؤثر بوده و جمعیت را به اجزای متفاوت از هم تقسیم می‌نماید (Heidari, 2010:151). از طرفی ازدیاد جمعیت، تراکم شهرها و صنعتی شدن هرچه بیشتر جوامع پیامدهای مثبت و منفی، هر دو را به همراه دارند (Bayanloo, 2007:30). توزیع جمعیت در مصر از وضعیت رود نیل تبعیت می‌کند. از آنجا که نخستین و مهم‌ترین منبع ثابت در زندگی مصریان «رود نیل» است وضعیت تراکم جمعیت به گونه‌ای است که حدود ۹۹ درصد جمعیت آن کشور در کرانه‌های آن رود که ۳/۵ درصد خاک مصر را شامل می‌شود زندگی می‌کنند (Barzeghar, 2008:204). به علت چنین تراکم جمعیتی در مصر که تقریباً همه‌ی جمعیت هشتاد میلیونی آن در دره‌ی نیل اقامت دارند، فقرا می‌توانستند میدان‌های فرودگاه‌های خصوصی ساکنان قصرهای اشرافی دوستان رئیس جمهور را نظاره کنند. مرسدس‌های مجلل آخرین مدل ناچار بودند از کنار فاضلابهای رو باز و مردمی که در گورستانها زندگی می‌کنند عبور کنند. این در حالی است که جمعیت مصر در سال ۲۰۰۹ بر اساس گزارش بانک جهانی، ۸۳ میلیون نفر بوده است و در همین سال تولید ناخالص داخلی کشور حدود ۱۸۸ میلیارد دلار آمریکا بوده که درآمد سرانه معادل ۲۲۷۰ دلار، در زمره کشورهای یا درآمد پایین‌تر از متوسط قرار می‌گیرد، و نرخ تورم در سال ۲۰۰۹ نیز، ۱۱/۸ درصد گزارش شده است (Rashidi, 2012:44). با اینحال همانطور که هانا آرنت می‌گوید که نامرادی در از میان برداشتن تبعیضات و اختلاف طبقات و ناکامی در حل کردن مسائل سیاسی می‌تواند به انقلاب بینجامد (Usefi, 2012:23).

شواهد نشان می‌دهد که در یک دهه اخیر طبقات متوسط جدید به علت وضعیت نامناسب بازار مسکن به طرف حومه شهر مثل محله‌های «عین شمس» و «ایمبابا» کشیده شده و اجتماعات غیررسمی و ناهمگون را ایجاد کرده‌اند. این محله‌های شهری که نقطه آغاز جنبش‌های اخیر مصر علیه حسنی مبارک بوده‌اند به لحاظ جغرافیایی شرایط مناسبی برای شورش و ایجاد جنبش‌های ضد حکومتی دارند. این مراکز جمعیتی نزدیک میدان تحریر بوده و به علت بسته بودن فضای مجاور نظارت شدید پلیس را نیز باعث نمی‌شوند (Afzali, 2013: 171). بر این اساس از طرفی تراکم جمعیت در کرانه‌های رود نیل که باعث آگاهی شهروندان از فاصله‌ی طبقاتی و عامل تسهیل‌کننده‌ی برقراری ارتباط و تجمع در میدان تحریر بود در نمادیک جلوه دادن میدان تحریر به‌عنوان نماد آزادی و مبارزه‌ی ملت مصر، مؤثر واقع افتاد.

۳) نقش رسانه‌ها و فضای مجازی

رسانه و فضای مجازی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی که در کنترل دولت قرار نداشت عامل بسیار مهمی بود که به سرعت میدان تحریر را به‌عنوان کانون انقلاب و مرکز تجمع میلیونی مردم، نه تنها در داخل شهر قاهره و کشور مصر بلکه در سراسر جهان معرفی کرد. امروزه اگر چه محدودیت فاصله‌ها کاملاً حذف نشده، ولی جریان سرمایه، کالا، خدمات، فناوری، ارتباطات و اطلاعات به‌طور فزاینده‌ای کنترل دولت بر مکان و زمان را تضعیف کرده‌اند (Castlez, 2002: 297)، شبکه‌های اطلاعاتی نقاط دور دست را با یکدیگر مرتبط می‌کنند. این شبکه‌ها گروه‌های مختلف سراسر جهان را در کمترین زمان ممکن به بهترین شکل به یکدیگر پیوند می‌دهند و افراد می‌توانند دانش و تخصص

خود را با یکدیگر مبادله کنند، به مشاوره بپردازند، و خلاقیت‌های خود را آشکار سازند. رشد سریع رسانه‌های جدید این امکان را فراهم آورده است که اطلاعات را در موضوع‌های مختلف به شکل الکترونیکی و در حجم بسیار بالا مبادله شوند (Ashrafi rizi, 2008:63).

با پیدایش فناوری‌های نوین ارتباطی اطلاعاتی همچون اینترنت، ماهواره، تلفن همراه، تلویزیون‌های کابلی، کامپیوتر، ویدئو و... در چند دهه واپسین سده بیستم، انقلابی عظیم در عرصه ارتباطات دوربرد و الکترونیک با برد جهانی رخ داد. در بین این فناوری‌ها، ماهواره و اینترنت شاخص‌ترین و اصلی‌ترین آن‌ها شناخته شده‌اند، به طوری که در چند دهه اخیر، تأثیرات بسیار شگرفی بر حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دولت‌ها و ملت‌ها به جای گذاشته‌اند و به واسطه همین تأثیر، قلمرو و مرزهای دولت‌ها در سطوح گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کم‌رنگ شده و تا حد زیادی آسیب‌پذیر گشته‌اند (Sardarnia, 2010:194). کانال‌های ارتباطی مانند گسترش اینترنت و ماهواره‌ها اجازه می‌دهند که خبر تحولات در یک کشور با سرعت به کشورهای دیگر انتشار یابد.

مصر بیشترین کاربران اینترنتی را در بین کشورهای عربی دارد. گذشته از این، بیش از ۸۰ درصد جمعیت این کشور تلفن همراه دارد که شاید راه سریع‌تر و مهم‌تر تماس در مقایسه با فیس‌بوک باشد. همچنین شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای نظیر «الجزیره» و «العربیة» نیز در گسترش و صادرات تفکر تغییر نقش مهمی را بازی کردند (Alanoud, 2011). بر این اساس رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی با به اشتراک گذاردن تصاویر و فیلم‌هایی از تجمعات اعتراضی میدان تحریر، به عنوان ابزارهایی کارساز برای انتشار اخبار و اطلاعات و هماهنگی و سازماندهی اعتراضات و تسهیل‌کننده این جنبش عمل کردند و زمینه را برای افزایش نسل جدید مشارکت سیاسی عموماً توسط جوانان استفاده‌کننده از این رسانه‌ها فراهم نمودند. در پی نا آرامی‌های مصر، ملت با دعوت مخالفین برای تظاهرات میلیونی در میدان التحریر قاهره تجمع کردند و تنها در یکی از تظاهرات ۵۰۰ نفر دستگیر و روانه زندان شدند. فعالان سیاسی مصر با انتشار بیانیه‌هایی در صفحه‌ای در فیس بوک به نام «همه خالد هستیم» از ملت مصر درخواست کردند پس از نماز جمعه در اعتراض به شرایط موجود در تظاهراتی میلیونی و سراسری ضد دولتی شرکت کنند (Barari, 2013:209). هرچند مقامات امنیتی کشور مصر سعی در کنترل این فضای مجازی داشتند اما چندان موفق نبودند. بنابراین به نظر می‌رسد عواملی همچون مزیت‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، دیپلماسی مجازی، عدم توان تأثیرگذاری بُعد فاصله در کم‌رنگ نمودن و گُند نمودن امواج جنبش اعتراضی شهروندان مصری از نقطه‌ی کانونی میدان تحریر، در مبدل گشتن این میدان به عنوان نماد یک مکان معترض نقش بسزائی داشته‌اند.

۴) سوابق کارکردی ارتباطی - تاریخی و سیاسی میدان تحریر

مکان بافتی مناسب برای شکل‌گیری هویت‌های سیاسی و بازشناسی علایق سیاسی فراهم می‌سازد، و بدین لحاظ، فعالیت‌های سیاسی را می‌توان حول محور مکان، سازماندهی و تجهیز کرد. هر مکانی از طریق جریان‌های گسترده-تری از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ساخته می‌شود و لازم نیست یک مکان دارای مقیاسی خاص و مشخص باشد، بلکه می‌تواند هرچیزی، از خیابان تا حتی یک قاره را در برگیرد (Afzali, 2013: 165). مکان به‌عنوان محملی برای قرار یافتن و به آرامش رسیدن، بخشی از هستی انسان را شکل می‌دهد که منبع اصلی هویت و امنیت فردی و جمعی تلقی می‌گردد. هویت مکان بخشی از هویت وجودی انسان و مکان با نام "هویت مکانی" تشکیل

می‌دهد که رابطه عمیق‌تر از صرف بودن و یا تجربه کردن آن مکان است. فضاهاى تجربه شده بخشى از هویت مکانى را به دست مى‌دهند که شخص طى زمان برای خود قائل مى‌گردد. این هویت مکانى خود تصویری مستقل در ذهن فرد مى‌شود که بخشى از زیرساخت‌های هویت فردى انسان و حاصل شناخت‌های عمومى او درباره جهان فیزیکی است که انسان در آن زندگی مى‌کند. این شناخت‌ها شامل خاطرات، ایده‌ها، احساسات، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، مفاهیم و ایده‌ال‌های رفتاری و تجربی انسان در رابطه با محیط‌های متنوع و پیچیده فیزیکی است که فضای تجربی انسان اعم از ادراک و رفتار را بوجود مى‌آورد. به عقیده پروشانسکی اگر شرایط بیرونی که فرد در ارتباط با آن قرار مى‌گیرد و تصور ذهنی وی که در واقع سطح انتظار او را نشان مى‌دهد یکسان نباشد شخص تلاش مى‌کند از راه‌های مختلف این انطباق را بوجود آورد و سیستم ذهنی خود و فضای بیرون را به تعادل برساند (Rezazadeh, 2007: 236). این‌ها مکان‌هایی هستند که افراد در آن ساکن بوده و مکرراً در حال رفت و آمد در آن هستند. این‌گونه مکان‌ها دربرگیرنده عمیق‌ترین معانی بوده و کانون تعلقات عاطفی و احساسات بسیار قوی مى‌باشند (Chow & Healey, 2008:336).

بررسی‌ها نشان مى‌دهد که روابط انسان‌ها با مکانى که در آن زندگی مى‌کنند بسیار پیچیده بوده و چنین رابطه‌ای عمیق‌تر از صرف بودن در آن مکان یا مواجهه با آن مکان است، به گونه‌ای که آن را مى‌توان به "خود همانى با مکان" تعبیر کرد (Wester-Herber, 2004:11). یکی از مهم‌ترین تاثیرات و طبقات محیط، مسئله تعلق مکانى است که تا حدود زیادی با هویت مکان ارتباط تنگاتنگ دارد. تعلق مکانى، پیوندی عاطفی است که افراد با مناطق ویژه‌ای برقرار مى‌کنند. مکان‌هایی که افراد ترجیح مى‌دهند در آن‌ها اقامت کنند و در این مکان‌ها نیز احساس آرامش و امنیت مى‌کنند (Hernandez, Hidalgo, Salazar-Laplace, Hess, 2007: 3). و مکان به یک لنگرگاه روانی تبدیل مى‌شود با سرایت سریع جریان سقوط زین‌العابدین بن‌علی دیکتاتور حاکم بر کشور تونس، به مصر و عبور آن از میدان التحریر قاهره، سرنگونی زود هنگام حسنى مبارک دیکتاتور حاکم بر کشور مصر رقم خورد (Reshno, 2012: 141). معترضان میدان‌های شهرها را به محل بیان درد دل‌های همگانی تبدیل کردند، در واقع میدان‌ها میعادگاه توده‌ها، زن و مرد، پیر و جوان و پایین دست و بالادست بودند (Daheshiar, 2012:4)، میدان تحریر هم به عنوان یک مکان با کارکرد سیاسى و ارتباطی قوی، به لنگرگاه روانی ملت مصر مبدل گشت. و از آنجا که میادین شهری همواره به عنوان مهم‌ترین ظرف فضایی زندگی جمعی در فضای باز شهرها، نقش بسیار والایی در جذب مردم و حضور آنها و نیز ارتقای کیفیت حضور انسانی در شهرها داشته‌اند (Ibid:71). میدان تحریر با توجه به موقعیت قرارگیری و تراکم جمعیت در پایتخت مصر، نقش ارتقای کیفیت حضور انسانی و جذب نیروهای معترض را به خوبی ایفا نمود. همچنین سوابق کارکرد سیاسى میدان تحریر در جریان انقلاب سال ۱۹۵۲، تظاهرات سال ۱۹۷۷ در پی افزایش بهای مواد خوراکی، تظاهرات سال ۲۰۰۳ در اعتراض به حمله آمریکا به عراق، هویت اسمی این مکان و نقش پررنگ این میدان در انقلاب سال ۲۰۱۱، در کنار سایر کارکردهای ارتباطی، فرهنگی از طرفی و نقش رسانه‌های مجازى و ماهواره‌ای و تلویزیونی از طرف دیگر از عوامل مهم و تأثیرگذار تبدیل میدان تحریر به نماد آزادی و نجات مى‌باشند.

۵) موقعیت قرارگیری میدان تحریر در پایتخت مصر

در همه‌ی کشورها، اغلب شهرهای بزرگ یا پایتخت‌ها، با ارائه نقش کانونی، سیستم ملی شهرهای ناحیه‌ای را بوجود می‌آورند. این قبیل شهرها، از جهات تجاری، مالی، فرهنگی، فعالیت‌های اجتماعی اقتصادی و پخش اطلاعات، بخش‌های وسیعی از یک کشور را تحت پوشش خود در می‌آورند (Shoqoei, 2007:123). در جغرافیای سیاسی، اگر به عوامل سرزمین، دولت و ملت به عنوان سه رکن بنیادین کشور نگرسته می‌شود، بدون تردید، پایتخت به عنوان مرکز هدایت دولت و گرانیگاه نیروی محرکه آن، از اهمیت بالایی برخوردار است. پایتخت مهمترین عنصر در ساختار سیاسی فضاست با کارکرد و هویت سیاسی - اداری و نیز کارکردهای اقتصادی، تجاری، فرهنگی. این واحد فضایی - سیاسی صرف نظر از فلسفه وجودی، ماهیت و کارکردهای آن، با توجه به اینکه کانون اقتدار و حاکمیت سیاسی حکومت و نیز تکیه گاه اصلی دولت به حساب می‌آید و نسبت به سایر عناصر سازمان سیاسی فضا از موقعیت ترجیحی برخوردار است، مورد توجه خاص جغرافیای سیاسی است. در همین راستا، پایتخت دارای اختیارات ویژه‌ای در ورای اختیارات سایر واحدها و عناصر تقسیمات کشوری است که آن را نسبت به دیگر واحدهای تقسیمات کشوری متمایز می‌سازد (Vali gholi pour, 2000:1). به عنوان مثال شهر تهران دارای یک موقعیت کانونی است که زمینه دسترسی به همه نقاط کشور را داراست، و در مقام پایتخت با کارکرد ملی، مهم‌ترین مرکز سیاسی، اداری، اقتصادی و فرهنگی ایران است. از چنین منظری آن را می‌توان هارتلند ایران دانست (Kavianirad, 2011: 36). قاهره به عنوان نخست شهر و پایتخت کشور مصر که بزرگترین شهر آفریقایی و همچنین بزرگترین شهر در جهان عرب که بر ساحل رودخانه‌ی نیل واقع شده‌است. دارای جمعیتی حدود ۱۵ میلیون نفر با حومه می‌باشد، که به نظر می‌رسد قاهره را نیز می‌توان هارتلند کشور مصر دانست. چرا که حدود ۹۹ درصد جمعیت آن کشور در کرانه‌های رود نیل و شهر قاهره زندگی می‌کنند که ۳/۵ درصد خاک مصر را شامل می‌شود (Barzegar, 2008: 204). بنابراین به نظر می‌رسد از آنجا که میدان تحریر نیز در مرکز قاهره قرار گرفته است، و قاهره نیز هارتلند کشور مصر می‌باشد، روند مبدل گشتن این مکان به نماد آزادی و حق‌طلبی تسهیل گردیده است.

همچنین با توجه به اینکه در پخش سلسله مراتبی، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل می‌شود و گسترش می‌یابد و ایده‌ها از یک «فرد مهم» به فرد دیگر، یا از یک مرکز شهری مهم به مرکزی دیگر گسترش می‌یابد. بنابراین، فرآیند پخش و پذیرش مدهای جدید لباس یا مد آرایش سر یا کالاهای مصرفی جدید، نظیر کامپیوتر، یا عقاید و ایدئولوژی‌ها از پایتخت به شهرهای بزرگ، میانی، کوچک و روستا و به صورت سلسله مراتبی انجام می‌شود (Zarghari, 2000:316). موقعیت جغرافیایی در کنار عوامل دیگر به مصر جایگاهی مرکزی یا «ابر نیروی عربی» داده است. ملک عبدالعزیز قبل از مرگ به فرزندش می‌گوید: سلامتی تمام اعراب در کل می‌تواند از روی سلامتی مصر تشخیص داده شود. اگر مصر مریض شود، تمام جهان عرب مریض می‌شود (Barzeghar, 2008: 206). بنابراین به نظر می‌رسد از آنجا که میدان تحریر در کشور مصر با جایگاه رفیع سیاسی، فرهنگی، تاریخی و استراتژیکی قرار دارد و همچنین در مرکز شهر قاهره به عنوان پایتخت و نخست شهر مصر و بزرگترین شهر آفریقایی و همچنین بزرگترین شهر در جهان عرب، قرار گرفته است، این عوامل در کنار

موقعیت نسبی این مکان، در مبدل گشتن آن به عنوان نماد آزادی و نماد یک مکان معترض تأثیر چشمگیری داشته است.

نتیجه‌گیری

مکان‌های جغرافیایی بر حسب موقعیت، ویژگی‌ها، تاریخچه دارای نقش و کارکردهای گوناگونی هستند به طوری که هر کدام از فضاهای شهری چون عبادتگاه‌ها، مراکز تجاری و بازار، مراکز اوقات فراغت و پارک‌ها، مراکز علمی، فرهنگی، تئاترها، کتابفروشی‌ها، دانشگاه‌ها، میدان و فضاهای عمومی شهر و... هر کدام دارای کارکردهای ویژه‌ای هستند که به آنها هویت می‌بخشد. میدان‌ها از جمله فضاهای شهری هستند که می‌توانند دارای کارکردهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تاریخی، گردشگری و... باشند. در بین فضاهای شهری، میدان‌ها با توجه به موقعیت مرکزی و دسترسی‌های مناسبی که به آنها وجود دارد، عمدتاً دارای کارکردهای متنوعی می‌باشند. یکی از کارکردهای میادین در بیشتر شهرهای جهان و به خصوص پایتخت‌ها، کارکرد سیاسی آن می‌باشد. بدین ترتیب که میدان‌ها در جشن‌های ملی، کارناوال‌ها، رژه‌های نظامی و... سایر برنامه‌های که با محوریت حکومت برگزار می‌شود به محل تجمع مردم تبدیل می‌شوند. در مقابل در برخی زمان‌ها، این میادین تبدیل به محل تجمع معترضان به حکومت و مخالفان نظام سیاسی می‌شوند. در چنین شرائطی حکومت‌ها تلاش می‌کنند تا به هر نحو ممکن به مقابله با این تجمع‌ها پرداخته و مانع کارکرد سیاسی این مکان‌ها شوند. حال آنکه این فضاهای شهری جنبه‌ای نمادین و سمبلیک پیدا کرده و به کانون پایدار تجمع‌های سیاسی و ضدحکومتی تبدیل می‌شود. میدان آزادی در تهران، میدان تحریر در مصر، میدان تیان ان من در پکن، میدان لولو در بحرین، میدان استقلال در استانبول و... از جمله این فضاهای شهری هستند که به عنوان کانون تجمع معترضان به نظام سیاسی جنبه نمادین پیدا کرده و کارکرد سیاسی برجسته‌ای داشتند. نقش و تأثیر این فضاهای نمادین در بروز انقلابات مردمی تا حدی است که بعضی حکومت‌ها همانند بحرین به کلی این میادین را تخریب کردند.

میدان تحریر قاهره، از جمله فضاهای شهری است که اگر چه در دو سه مقطع زمانی محدود در طی حدود چهار دهه کارکرد سیاسی پیدا کرده بود اما به دلیل وجود یک نظام سیاسی مستبد در کشور مصر، مجال برای حضور مخالفین حکومت در آن وجود نداشت. بعد از انقلاب مردمی در کشور تونس، و بروز اولین جرقه اعتراض مردمی در کشور مصر، میدان تحریر قاهره به سرعت تبدیل به کانونی برای حضور معترضان و مخالفین حکومت شد و تبدیل به فضایی نمادین برای تجمع مردم و مقابله با حکومت و گرفتن حقوق ملت شد. عوامل مختلفی چون موقعیت مرکزی میدان تحریر، دسترسی مناسب این میدان برای ورود سریع و همچنین پراکنده شدن معترضین، ویژگی‌های جمعیتی مناطق اطراف میدان، معرفی سریع این نماد به جهان از طریق فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی و جلب توجه مردم جهان به این مکان و... منجر به تقویت کارکرد سیاسی این مکان و نمادین شدن آن به عنوان میدان معترض و کانون تجمع معترضان شد. به نحوی که کارکرد سیاسی میدان تحریر قاهره و حوزه‌ی تأثیرگذاری آن خصلتی فراملی و فرامنطقه‌ای پیدا کرده است. به گونه‌ای که معترضین بحرینی قصد مبدل ساختن میدان لؤلؤ به مثابه‌ی میدان تحریر را داشتند تا جایی که حکومت بحرین تنها راه نجات را تخریب میدان دانست. در فوریه ۲۰۱۱ هزاران تن در میدان لؤلؤ در مرکز منامه گرد آمدند و آنجا را به کانون اعتراضات بدل کردند، اما در ماه مارس

نیروهای دولتی، با پشتیبانی تانک و چرخبال، دست به عملیاتی گسترده برای راندن اعتراض‌کنندگان از میدان لؤلؤ زدند (Hamidi, 2011: 45). یا خیابان وال استریت در آمریکا و میدان ترافالگار در لندن به میدان تحریر ملقب گردیدند. سخن پایانی اینکه میدان تحریر - با توجه به معنای آن که «آزادی و نجات» است - امروزه به نماد اعتراض، دموکراسی‌خواهی و مبارزه علیه حکومت در جهان تبدیل شده است.

Resources

- Abolhasani, M. (2004), the effect of access and limitations on physical space of the city, *Urban Management Journal*, Issue 14, Summer 2004 [In Persian]
- Afzali, messenger and Vahid Kiani (2013), the strength of the place: the role of specific locations as a symbol of political developments, *Proceedings of the Fifth Congress of the geopolitics of Iran*, Volume I, Rasht, Iran: Islamic Azad University of Rasht [In Persian]
- Alanoud al sharekh, (2011) 'Reform and rebirth in the middle east', *Survival*, April -May 2011, <http://www.informaworld.com/terms-and-conditions-of-access.pdf>
- Asadpour six interest, M. (2007), China's engagement with the international system of human rights, Human Rights MA thesis, Supervisor: doctor of Mars Direct, Advisor: doctor Nasrin refined, Faculty of Law and Political Science at Tehran University [In Persian]
- Ashrafi planning, Hussein Kazempour, Z. (2008), *geopolitical Information (distances without spaces)*, Tehran, Chapar [In Persian]
- Avalanche, campus and Elias Safar (2011), the evolution and development and a symbol of the traditional arts of Iran, Tehran, Payam Noor [In Persian]
- Barari, A. (2013), an analysis of the situation in Egypt in 2011 and trends, just peace diplomacy, the *International Centre for Peace Studies*, Issue 6, Spring 2012 [In Persian]
- Behzadi, Rqyh (2002), symbol in mythology: the culture of graphic symbols in the art of East and West, *Art Monthly*, August and Shahrivar 2002 [In Persian]
- Berten, H. (1995), *The Idea of postmodern*, London: Routledge.
- Bonnemaison, Joel (2005), *Culture and Space, Conceiving a New Cultural Geography*, Edited by Chantal Blanc - pamard, Maud Lasseur and Christel Thibault, Translated by Josepenot-Demetry, I.B.Tauris&CO.Ltd, London
- But Gholizadeh, Ali (2009) determining factors in locating in the Iranian capital, to help doctor Zahra Ahmadi Pour Master's Thesis, TMU, Tehran. [In Persian]
- Byanlv, Joseph and Mohammad Karim Mansourian (2007), the relationship between [In Persian]
- Castells, Immanuel (2002), the age of information, power, identity, translation: Chavoshian and Khakbazan, Tehran, New project [In Persian]
- Chow, Kenny, Healey, Mick (2008), Place attachment and place identity: First - year undergraduates making the transition from home to university, *journal of Environmental Psychology* 28
- Consistency, A. (2011); the challenges of political development, Tehran: Ghomes, Fifth Edition [In Persian]
- Daheshiar, H. (2010); the Arab Spring uprising on imported Mdrnyth-Y, economic and political magazine, No. 283, [In Persian]
- Dehshiri, MR (2010), media and culture, *Cultural Research Quarterly*, Volume 24-II, Issue 8 [In Persian]
- Favor, and Abdul Hamid Mohammadi, S. (2013) The relationship between urban symbols of identity of the city (Case Study in Gonbad-e Qabus), *Journal of Geography and Regional Planning*, Issue 2, Spring [In Persian]
- Fayyad, Ibrahim, Hussein, proud and Smith (2011), semiotics of cultural perspectives in cultural geography, the strategic concept for understanding and discovery of meaning, *cultural Research Quarterly*, Volume IV, Issue 4 [In Persian]
- Fkvhy, N. (2005), *Urban Anthropology*, Tehran, Reed Publishing [In Persian]
- Fordham, Frida (1967), *Introduction to Jungian psychology*, translation M. Myrbha, Tehran, aristocratic [In Persian]

- Freedom Rod, Murad (2011); regionalism in terms of geopolitics, Tehran, Research Institute for Strategic Studies. [In Persian]
- Ghasemi, A. (2003); Tiananmen, the massacre of gray; Bimonthly Report, No. 149, January / Persian date Bahman 2004 [In Persian]
- Goldsmith breeds, G.H. (1999), the history of Islam, Tehran: the side [In Persian] Hafeznia, MR, et al., (2011); and space policy, Mashhad, publications Paply [In Persian]
- Hadi, Mahmoud (2009); space and urban design, Tehran, food / Tahan [In Persian]
- Hamidi, MM (2012), the unrest in Bahrain, reform or revolution? Economic and political magazine, Issue 284, Summer [In Persian]
- Hernandez, Bernardo, Hidalgo, M. Carmen, Salazar – Laplace, M. Esther, Hess, Stephany (2007). Place attachment and place identity in natives and non-natives, journal of Environmental Psychology 27.
- Heydari, Jahangir (2013), the role of political management in convergence and divergence relatives, Rshth–Y geopolitical master's thesis, Supervisor: doctor conducting a large, School of Humanities, University of Mashhad, Shahrivar [In Persian]
- Jones, Martin et al (2008), Introduction to political geography, translation: Z. PISHGAHIFARD and Rasoul Akbari, Tehran, Tehran University Press, first edition [In Persian]
- Kia, A., Mahmoud, Abdul Samad (2012), the role of social networks in Tunisia, Journal of Political Economy, No. 283, [In Persian]
- Knowledge and Emir Jaber Tibi (2012), the quality in urban areas, with an emphasis on traditional models, studies in Islamic Iran, the fourth issue, summer [In Persian]
- Lynch, Kevin (1995) face of the city, Translation: doctor M. ornate, Tehran, Tehran University Press, first edition [In Persian]
- Mac —Lyn, Ian (2003) Oxford Dictionary of Political Sciences, translation: doctor Hamid Ahmadi, Tehran: Publication of the Second Edition:
- Muir, Richard (2001) new income geopolitical, Translator: Valley Myrhydr, Tehran: Armed Forces Geographical Organization, printing [In Persian]
- Myrhydr, valley and Hussein Hmydy–Nya (2008); autopsy map and its role in induction of power and politics, Geographical Journal, Vol. 6, No. 8 and 9, the spring and summer 2007 [In Persian]
- Oxford university Press (1997), Oxford Wordpower, Dictionary for Learners of English. Paply–Yzdy, Mohammad Hossein Rajabi Snajrdy (2013); theories in and around Tehran, the publisher, Seventh Edition [In Persian]
- Peter, Hagt (2004), the geography of the new combination, the translation of the: Shapur Gvdrzy–Nzhad, volumes one and two, Tehran: [In Persian]
- Pishgahifard, Z. (2008), culture, geopolitics, Tehran, selected publishing, printing [In Persian]
- Police, Hussein and Haniyeh brotherhood (2012); urban planning perspective, Tehran: Center for Culture, Art and Architecture (SID), printing [In Persian]
- Population density and the amount and type of crime, Journal of Social Welfare, the sixth year, No. 22, Fall 2007 [In Persian]
- Pour Ahmadi, Z., but Gholizdeh, A., (2008); determining factors in locating capital in Iran, the International Journal of Geopolitics, Issue Three, [In Persian]
- Pourahmadi, Hussein Hussein Rasool Bound (2010), the geopolitics of oil producing countries of the Persian Gulf and geopolitical challenges of economic globalization Quarterly, Issue One, spring and summer [In Persian]
- Pour civil, A., (2001), urban design, translation Farhad Mortezaie, Tehran, processing and urban planning firm, affiliated to Tehran Municipality [In Persian]
- Rashidi, R. (2010), check the status of takaful in Egypt, a new insurance world, in Issue 154, Persian date Farvardin [In Persian]
- Râşnov, Nby–Allh (2014), approaches and geopolitical interests in the Middle East and North Africa, International Journal of Geopolitics, the ninth year, the first issue, Spring [In Persian]
- Shakuie, H., (1996); new ideas in philosophy, geography, Tehran: Gita Science, Ninth Edition. [In Persian]

- Shakuie, H. (2010); *Flsfh-Hay environmental and geographical Mktb-Hay*, Tehran: geographical, Sixth Edition. [In Persian]
- Sjadzadh, H. (2014), the role of attachment to a place to Mydan-Hay Hvyt-Bkhshy city, garden view *Journal of architecture and urbanism view*", No. 25, the tenth year, summer [In Persian]
- Soltanzadeh, H., (2004), the formation of contemporary architecture and culture *Quarterly*, Issue 15-16 [In Persian]
- Sower, Abraham (2008) conceptual framework for understanding the political developments in Egypt, the *Journal of Law and Politics*, Vol. IX, Issue 22, Spring-Summer 2008. [In Persian]
- Srdarnya, Khalil Allah, (2010), the Internet, new social movements and protest mobilization, *communication Journal*, Vol. XVI, No. 4 [In Persian]
- Taherkhani, Hbyb-Allh (2003); the creation of defensible spaces, urban, urban management *Quarterly*, Issue 9, Spring [In Persian]
- Terry Jordan, Ravntry, Leicester (2002): an introduction to cultural geography. Translation silver Tavalae and Mohammad Slymany. *antsharat Institute of Culture, Art and Communication*. [In Persian]
- Thompson, John B. (2002), *media and modernity*, translated by M. Owhadi, Tehran: Soroush [In Persian]
- Tkyh-Ay, Mhdy (1997), *Egypt, arguments countries and international organizations / 69*, office politics and international studies Tehran: Ministry of Foreign Affairs, Institute Press, [In Persian]
- Vzyrnya, television (2003), the status icon in the system thought Young, *Journal of the Academy of Arts*, (4) [In Persian]
- Yousefi, M. (2012); *Arabic revolutions: the social or political issues, economic and political magazine*, Issue 284, Summer [In Persian]
- Wester-Herber, misse (2004), *Underlying concerns in land-use conflicts-the role of place-identity in risk perception*, *Environmental Science & policy* 7.
- Zadeh, R. (1385) *psychological and sociological approach to identity where the new cities*, Tehran: *New Towns Development Corporation*, First Edition [In Persian]